

تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، تیر و مرداد ۱۳۸۸

جنسیت در تعاونیها

آن بریت نی پیرد^۱

مترجم: اصغریات^۲

مقدمه مترجم

جنسیت مربوط به نظام طبیعی است و امور طبیعی ذاتاً موجب فخر یا وهن نیستند. براساس آموزه‌های دینی، جایگاه و منزلت آدمی بر پایه کرامت و تقرب او به خداوند است و میزان و معیار اصلی، تقواست نه جنسیت یا هر عامل دیگر. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.» (سوره الحجرات آیه ۱۳).

مسئله جنسیت و حقوق مترتب بر آن از ابتدای خلقت انسان محل مناقشه بوده است و در طول تاریخ گاهی مردان و گاهی نیز زنان دارای حق برتر در خانواده و جامعه بوده‌اند؛ اما پس از انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از آن، شاهد حضور گسترده زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و ایجاد فرصت‌های برابر برای مردان و زنان - که یکی از شاخص‌های توسعه هر جامعه محسوب می‌شود- بوده‌ایم. نهضت تعاون نیز با تأکید بر ارزشهایی

۱. آموزشیار تعاون و کارشناس مسئله جنسیت در سازمان بین‌المللی کار (ILO) Anne-Brit Nippierd

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و معاون دفتر تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون

e-mail: asgharbayat@yahoo.com

مثل خودیاری^۱، مسئولیت فردی^۲، مردمسالاری، برابری^۳، تساوی حقوق^۴ و همچنین اصل «هر عضو، یک رأی»، منزلت زنان و مردان را یکسان در نظر می‌گیرد.

خانم آن‌بریت‌نی‌پیرد، آموزش‌یار تعاون و کارشناس مسئله جنسیت در سازمان بین‌المللی کار (ILO)، در این مقاله به محدودیت‌های زنان در کشورهای در حال توسعه و نقشی که تعاونیها می‌توانند در زمینه توانمندسازی آنها داشته باشند، اشاره می‌کند. مقاله حاضر با عنوان «Gender Issues in Cooperatives» در سایت سازمان بین‌المللی کار موجود است.^۵

تعاونیها؛ ابزار بالقوه توانمندسازی

توانمندسازی همواره در کانون توجه نظریه تعاونی قرار داشته است؛ یعنی در جایی که مردم گرد هم می‌آیند تا به اهدافی دست یابند که به تنهایی قادر به انجام آن نیستند. اهداف توسط اعضا تعیین می‌شوند و با توجه به اینکه تعاونیها بر اساس اصل "هر عضو، یک رأی" اداره می‌شوند، فرصت مناسبی را برای مشارکت زنان همپای مردان با شرایط برابر فراهم می‌آورند. بنگاه‌های تعاونی می‌توانند به شکلهای متفاوتی فعالیت کنند. آنها را ممکن است گروهی از بنگاه‌های اقتصادی و یا کارآفرینان منفرد- که مایل به بهره‌مندی از خدمات مشترک، کالاهای ارزان قیمت، دسترسی آسان به بازار یا دریافت قیمت بیشتر برای کالاهای تولیدی خود هستند- تأسیس کنند. اما وجه مشترک آنها این است که اعضا به شکل گروهی می‌توانند به صرفه‌جویی در مقیاس^۶ و افزایش نفوذ و قدرت چانه‌زنی در داد و ستدها، دست یابند.

زنان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به شکل منزوی و طردشده در بخش غیررسمی اقتصاد فعالیت دارند و دستمزد ناچیزی دریافت می‌کنند. آنها با تشریک مساعی در

-
1. self - help
 2. self-responsibility
 3. equality
 4. equity
 5. www. ilo. org
 6. economics of scale

قالب تعاونیهای کوچک^۱ می‌توانند به ابزاری برای نیل به اهداف و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دسترسی پیدا کنند. نمونه بارز این مسئله را می‌توان در دستاوردهای اتحادیه زنان خویش‌فرما^۲ در هند مشاهده کرد (کادر ۱).

کادر ۱. معرفی اتحادیه زنان خویش‌فرما

اتحادیه زنان خویش‌فرما، اتحادیه‌ای تجاری است که در سال ۱۹۷۲ با هدف بسیج زنان در بخش نامتشکل اقتصاد هند تأسیس شد. این اتحادیه نقطه تلاقی سه نهضت است؛ یعنی نهضت کارگران، نهضت تعاونی و نهضت زنان که دارای اهداف و ارزشهای مشترک هستند. اعضای این اتحادیه را زنان خویش‌فرمایی تشکیل می‌دهند که زندگی خود را از طریق کسب و کار و نیروی کار فردی می‌گذرانند. این اتحادیه معتقد است که زنان خویش‌فرما باید در قالب تشکلهای پایدار سازمان‌دهی شوند تا بتوانند توانمندیهای فردی را افزایش دهند. بنابراین، اعضای این اتحادیه اقدام به تشکیل تعاونی به منظور صرفه‌جویی در مقیاس و افزایش قدرت چانه‌زنی در داد و ستدها و همچنین حفظ مالکیت و مدیریت خود بر فعالیتهای اقتصادی می‌نمایند. تجربه این اتحادیه حاکی از آن است که تشکیل تعاونی باعث حفظ اشتغال و درآمد شده است.

این تعاونیها موفقیت ویژه‌ای در ارائه خدمات اجتماعی و تأمین اجتماعی داشته‌اند. طرح بیمه جامع این اتحادیه در هند یکی از بزرگترین طرحهای تأمین اجتماعی این کشور برای کارگران شاغل در بخش غیر رسمی اقتصاد است. این طرح بیش از ۳۰ هزار کارگر زن را تحت پوشش بیمه قرار داده است.

تعاونیها برای اعضای کارآفرین خود امکان حل مشکلات به صورت جمعی را فراهم می‌آورند و تأمین نیازهای اساسی و راهبردی را بشارت می‌دهند. حمایت و دلگرمی متقابلی که یک گروه از کارآفرینان به همدیگر می‌دهند، می‌تواند باعث ثبات یا ارتقای اعتماد به نفس

1. small-scale cooperatives
2. self-employment

آنان شود. انسجام، مسئولیت اجتماعی، برابری و توجه به دیگران، از جمله ارزشهای اساسی هستند که هر تعاونی اصیلی از آنها تبعیت می‌کند.

آیا زنان می‌توانند از پتانسیل انجام کسب و کار به شیوه تعاونی، حداکثر بهره‌برداری را نمایند؟ و آیا تعاونیهای سنتی پتانسیل اعضا و کارکنان زن را به رسمیت می‌شناسند و می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند؟

موانع و چالشهای مشارکت زنان در تعاونیها

از آنجا که تعاونیها همانند سایر بنگاههای اقتصادی، بازتابی از جامعه وسیعتری هستند که در آن به فعالیت می‌پردازند، عدم توازن جنسیتی در آنها علی‌رغم ادعای مساوات و برابری، شگفت‌انگیز به نظر نمی‌رسد. پایین بودن سطح مشارکت فعال زنان در تعاونیها و حضور کم‌رنگ آنان در تصمیم‌گیری‌ها یکی از مهمترین مشکلات جنسیتی حال حاضر می‌باشد. در مواردی که اکثریت اعضای تعاونی را زنان تشکیل می‌دهند (مثل تعاونیهای اعتبار و مصرف) مشارکت فعال آنان واقعاً تعیین‌کننده است به طوری که اگر زنان در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نکنند، تعاونیها نمی‌توانند ادعای دموکراتیک بودن داشته باشند و نیازها و منافع واقعی زنان را تأمین کنند.

زنان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با محدودیتهای شدیدی مواجهند که مانع از مشارکت فعال آنان در تعاونیها می‌شود. در این باره نخستین محدودیت، نقش سنتی زنان در جامعه و تصور غلط در مورد غیرمولد بودن آنهاست و اینکه باید صرفاً به انجام وظایف خانوادگی بپردازند. این امر باعث حضور حاشیه‌ای زنان در جهان کسب و کار تعاونی می‌شود، انتخاب فرصتها و تصدی مشاغل اقتصادی را محدود می‌سازد و ریشه اصلی مسئولیت سنگین و محدودیت زمانی برای زنان می‌باشد. انجام فعالیتهای درآمدزا همراه با انجام وظایف مادری و مرتب کردن خانه که بدون دستمزد انجام می‌گیرد، غالباً وقت و انرژی کافی برای حضور زنان در مجامع و انجام سایر مسئولیتهای باقی نمی‌گذارد.

عدم دسترسی زنان به منابع نیز از جمله موانع اساسی است که بر مشارکت آنان در تعاونیهای کنونی و تأسیس تعاونیهای جدید تأثیر می‌گذارد. زنان بدون استقلال مالی به دشواری می‌توانند به‌طور مستقیم در تعاونیها سرمایه‌گذاری کنند. به دلیل عدم دسترسی زنان به زمین، اعتبار مالی یا نهاده‌های تولید در بسیاری از کشورها، سطح سواد آنها پایین‌تر از مردان است و تجربه کسب و کار و دانش تعاونی آنها نیز بسیار محدود است. با اینکه زنان می‌توانند در تعاونیها مشارکت داشته باشند، ولی از مزایا و حمایت‌های ساختاری تعاونیها برای اعضا، مثل تأمین اعتبار، آموزش و کارآموزی، نهاده‌های تولید، فناوری و بازاریابی محروم می‌شوند. به بیان دیگر، با توجه به محدودیتهایی که از همان ابتدا گریبان‌گیر آنان است، کلاً مشکل می‌توانند خود را از مخمصة عدم دسترسی به منابع خلاص کنند.

محدودیهایی قانونی نیز پاگیر مشارکت زنان در تعاونیها شده است. نتایج مطالعات اخیر سازمان بین‌المللی کار^۱ نشان می‌دهد که قوانین تعاونی به‌طور کلی دارای ویژگی "بی‌طرفی جنسیتی"^۲ هستند و به‌طور مستقیم، تبعیضی علیه زنان قائل نمی‌شوند. در بسیاری موارد، مقررات قانونی تعاونی در مورد برابری جنسیتی پیش‌تاز می‌باشند و می‌گویند که مشارکت زنان در عضویت باید در تصمیم‌گیری‌ها و از جمله حضور در هیئت مدیره و کمیته‌ها تحقق یابد. چنین مواردی را می‌توان در قانون تعاون سال ۱۹۹۶ نامییا مشاهده کرد.

اما زنان به دلیل تبعیضهای ناشی از برخی قوانین مرتبط با مالکیت داراییها و اموال به‌جا مانده از متوفی، با موانع مشارکت در تعاونیها مواجهند. زنان در برخی کشورها برای راه‌اندازی کسب و کار مستقل نیاز به کسب اجازه از شوهرانشان دارند. در بعضی موارد، حقوق قانونی زنان تصریح شده اما لزوماً اجرا نمی‌شود و ممکن است تحت تأثیر حقوق عرفی قرار گیرد.

1. legal constraints to women participation in cooperatives", ILO-cooperative branch, 2002.
2. gender neutral

قواعد و مقررات ویژه‌ای که در اساسنامه تنظیمی تعاونی توسط اعضا درج می‌شوند می‌توانند تأثیر تبعیض آمیزی بر مشارکت زنان داشته باشند. مثلاً در تعاونیهای کشاورزی، مالکیت و کنترل بر زمین زراعی، یکی از شروط عضویت است. اگر تعاونی به یکی از اعضای هر خانوار اجازه عضویت بدهد، گرایش غالب به سمت انتخاب مردان برای عضویت است. وقتی که زنان عضو خانوار از عضویت محروم هستند، در نتیجه از خدماتی که تعاونیها به جوامع روستایی ارائه می‌دهند نیز محروم می‌شوند.

برای حل این مشکل، تعاونیها در برخی کشورها اجازه مشارکت و حق رأی به چندین عضو هر خانوار اعطاء کرده‌اند. برای مثال در [قوانین] نروژ تصریح شده که "حداقل برای هر مزرعه باید دو حق رأی وجود داشته باشد". برای اعمال حق رأی در مجمع عمومی، حضور عضو در تعاونی الزامی است. علاوه بر این، تصریح شده که دو نماینده هر مزرعه باید بتوانند دارای شغل یا مسئولیت در تعاونی باشند.

ناکافی بودن حقوق اجتماعی، اقتصادی و قانونی نیز تا حدودی مبین علت مشارکت پایین زنان در تصمیم‌گیری‌ها و کسب مشاغل مدیریتی در تعاونیهاست.

تعاونیها در شرایط متحول کنونی

تعاونیها در طول دهه گذشته با تحولات چشمگیر ناشی از گسترش تجارت جهانی، کاهش کنترل دولتی، آزادسازی اقتصادی و دگرگونی سیاسی مواجه شده‌اند. تعاونیهای پیشین در بسیاری از کشورها تحت شرایط و مقررات سخت‌گیرانه تجارت داخلی و وضعیتی کمابیش انحصاری فعالیت می‌کردند. تعاونیها در اقتصادهای متمرکز، در معرض دخالت‌های دولت در کلیه سطوح فعالیتشان بودند و در نتیجه نمی‌توانستند مانند بنگاههای اقتصادی تحت مالکیت و اداره اعضا، فعالیت داشته باشند. پس از پایان جنگ سرد، تعاونیها برای نخستین بار با چالشهای ناشی از اقتصاد بازار آزاد مواجه شدند.

تعاونیها در کشورهای در حال توسعه توسط قدرتهای استعماری به عنوان ابزار توسعه تأسیس شده بودند و از یارانه‌های دولتی و سایر امتیازات بهره‌مند می‌شدند. اعمال سیاستهای تعدیل ساختاری در دهه ۱۹۸۰ آثار چشمگیری بر تعاونیهای داشت که به ناگاه مجبور شدند خود را با رقابت فزاینده ناشی از فعالیت بنگاههای خصوصی تطبیق دهند، در حالی که دیگر از حمایت مالی و خدمات ترویجی سابق بهره‌مند نبودند؛ لذا وارد دوره‌ای بحرانی شدند که یا باید خود را با آن تطبیق می‌دادند و یا نابود می‌شدند. علی‌رغم این مشکلات، بسیاری از تعاونیها با ارائه راهبردهای نوین به گونه‌ای مدیریت شدند که غالباً برای اولین بار به یک تعاونی اصیل و تحت مالکیت و نظارت اعضا تبدیل شدند. با توجه به آثار اجتماعی و اقتصادی تعاونیها، نقش مهم آنها در کمک به کاهش آثار زیانبار جهانی شدن مورد عنایت قرار گرفت. هم‌اکنون انواع تعاونیها به علت آزادسازی، شانه به شانه هم در یک کشور فعالیت می‌کنند. «تعاونیهای کسب و کار آزاد»^۱ می‌توانند با «تعاونیهای تحت حمایت دولت»^۲ و «گروههای خودیار»^۳ همزیستی داشته باشند. در برخی کشورها مشاهده می‌شود که دولتها تعاونیهای غیرقانونی به ثبت نرسیده و تشکلهای خودیار مثل تونین، اجو، گروههای نام، گروههای هارامبی یا گوتونگ رویونگ^۴ را قانوناً به رسمیت شناخته‌اند. در سایر موارد انواعی از تعاونیها جایگزین تعاونیهای سابق شدند یا شرایط ثبت شرکتها به اندازه‌ای ساده شد که منجر به تأسیس انواع مختلفی از تعاونیها در کنار بخش تعاونی رسمی گردید؛ مثلاً می‌توان به این موارد اشاره کرد: گروههای روستایی در بورکینافاسو (کادر ۲) و مالی و نیجر، گروههای اقدام مشترک^۵ در کامرون، گروههای دارای منافع اقتصادی^۶ در سنگال و سایر کشورهای فرانسوی زبان، تعاونیهای اعتبار در اندونزی، تعاونیهای کمک متقابل^۷ در آندراپرادش هند و تشکلهای

1. free-enterprise cooperatives

2. state sponsored cooperatives

3. self-help group

4. Tontine, Adjo, Naam groups, Harambee groups, Gotong Royong

5. common initiative groups

6. economic interest groups

7. mutually aided cooperatives

پیش‌تعاونی^۱ در ساحل عاج. بر اساس یافته‌های تحقیقات انجام شده در چندین کشور در حال توسعه، ساده کردن روند ثبت شرکت تا حد زیادی باعث تشویق زنان کارآفرین به تشکیل تعاونیهای مختص به خود یا پیوستن به تعاونیها و بنگاههای اقتصادی گروهی می‌شود.

آزادسازی^۲ باعث از بین رفتن یا کاهش مزایای انحصارگرایانه شده و زمینه ایفای نقشی برابر برای بنگاههای اقتصادی و تعاونیهای جدید به منظور رقابت با سایر بنگاهها را فراهم کرده است.

بسیاری از تعاونیهایی که آمادگی کافی برای تطبیق با شرایط رقابتی بازار را نداشته‌اند، منحل شده‌اند و جای آنها را تعاونیهای پویا و نوآور گرفته‌است که به خوبی خود را با دیدگاه‌های بنگاههای بازارمحور هماهنگ کرده‌اند.

نهضت تعاون اروپای غربی پس از دهه ۱۹۷۰، یعنی پس از پیدایش تعاونیهایی که آنها را «تعاونیهای نوین»^۳ می‌نامند، شاهد دوره نوینی از رشد بوده است. این نوع تعاونیها [نسل جدید] در پاسخ به بحران اقتصادی اواخر دهه ۱۹۷۰ پدید آمدند که این بحران به نوبه خود باعث افزایش بیکاری و کاهش تدریجی الگوی [کمکهای] اجتماعی اروپا شده بود. بعضی از تعاونیهای نوین را کارکنانی تأسیس کردند که می‌خواستند شغل خود را حفظ کنند. تعاونیها و مشاغل جدید زمانی به وجود آمدند که افراد بیکار اقدام به تأسیس بنگاههای اقتصادی اجتماعی کردند و فعالیتهای کارآفرینی در حوزه‌هایی گسترش یافت که دولتهای رفاه واگذار کرده بودند.

براساس گزارش CECOP^۴، زنان عمده‌ترین کارآفرینان تعاونی در اروپای غربی هستند به گونه‌ای که بالغ بر ۸۰ درصد بنیانگذاران تعاونیهای نوین را آنان تشکیل می‌دهند. آنها تعاونیها

1. pre-cooperatives

2. liberalization

3. new cooperatives

4. European Confederation of Worker's Cooperatives, Social Cooperatives and Participative Enterprises (cecop)

را به عنوان شیوه مناسب انجام فعالیت اقتصادی برگزیده‌اند و برای چارچوب انعطاف‌پذیر و تأثیرگذار تعاونی بر موقعیت شغلی‌شان ارزش قائل هستند. همچنین حدود ۴۰ درصد از مؤسسان تعاونیهای کارگری در فنلاند را زنان تشکیل می‌دهند. مهمترین بخشهایی که زنان در آن به فعالیت مشغولند عبارتند از: خدمات اجتماعی، خدمات بهداشتی، بازاریابی صنایع دستی، فرهنگ و ارتباطات. در این باره همچنین باید افزود که بسیاری از تعاونیهای نوین در آلمان را زنان تأسیس کرده‌اند، زیرا آنان تعاونیها را فرصتی مناسب برای ترکیب فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و بومشناسی می‌دانند. در ایتالیا، فرانسه و اسپانیا که نهضت تعاون دارای قدمتی طولانی در بخشهای معین است، بنگاههای تعاونی در بخشهایی جدید و ابتکاری نظیر ارائه خدمات، مراقبت اجتماعی^۱، گردشگری، نظافت، تهیه خواربار، حفاظت از منابع طبیعی و ابنیه و بسیاری موارد دیگر به فعالیت می‌پردازند. در این کشورها بسیاری از تعاونیهای رو به افزایشی که توسط زنان اداره می‌شوند، تا حد زیادی به جذب فزاینده نیروی کار زنان کمک کرده‌اند.

طبق برآوردها، سالانه بیش از ۴ هزار بنگاه اقتصادی اجتماعی تشکیل می‌شود که برای حدود ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر شغل ایجاد می‌کنند. CECOP تعاونیهای نوینی را که زنان تأسیس می‌کنند، این گونه توصیف می‌کند: «آزمایشگاهی واقعی برای روشهای جدید کار مشترک و شیوه‌های انعطاف‌پذیری مثبت. این آزمایشگاه برای بازسازی زمان کار، هم به تحقق آرمانهای زنان و هم به تلفیق زمان انجام وظایف فردی و خانوادگی کمک می‌کند.»

کادر ۲. توانمندسازی زنان در ساحل

زنان آفریقا همانند سایر نقاط جهان، با موانع و محدودیتهای بسیاری برای دستیابی به منابعی مثل دانش، زمین، نهادهای تولید، اعتبارات مالی و فرصتهای شغلی روبرو هستند. وظایف سنگین و مشغله‌های زیاد زنان و متعاقب آن، نداشتن وقت کافی برای انجام سایر امور، یکی از بزرگترین موانع پیش روی آنان است.

سازمان بین‌المللی کار به منظور رفع این مشکل و سایر موانع، اقدام به اجرای طرحی با هدف کمک به ۵ هزار نفر از زنان استانهای Bulkiemde و Sanguine کشور بوركینافاسو در ساحل نموده است. جوامع محلی از طریق ایجاد اتحادیه‌های اعتبار خرد که توسط زنان اداره می‌شود، شاهد تحولی در فعالیتهای کارآفرینانه بوده‌اند که با ایجاد پیوندهای مالی با بانک ملی، انجام کارها را سرعت بخشیده‌اند.

روستاییان در مصاحبه‌های خود اظهار داشته‌اند که اجرای این طرح تأثیر بلندمدتی بر رفع نگرانی جوامع داشته است. این طرح نه تنها به بهبود استاندارد زندگی زنان و خانواده‌های آنان و افزایش منزلت اجتماعی‌شان کمک کرده، بلکه حس اتحاد و کمک متقابل روستاییان را بیدار کرده است. علاوه بر این، حساس‌سازی جنسیتی به‌ویژه بین مردان منجر به بازنگری در تقسیم وظایف و مسئولیتهای خانوارها و جوامع شده است. زنان در حال حاضر با رهایی از مسئولیتهای سنگین، قادر به مشارکت فزاینده در برنامه‌های آموزش و کارآموزی، فعالیتهای درآمدزا و مجامع عمومی تعاونی و حضور در اجتماع هستند.

زنان بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خانواده و اجتماع مشارکت دارند؛ یعنی جاهایی که شیوه‌های سنتی مذاکره تغییر یافته است. با توجه به اینکه رهبرانی قوی از زنان در جایگاه شایسته خود در شوراهای شهر و کمیته‌های روستایی قرار گرفته‌اند، انتظار می‌رود که در آینده به خواسته‌ها و نیازهای آنان توجه بیشتری بشود.

بذرهای تغییر^۱

ارتقای منزلت زنان در تعاونیها و جامعه همواره برای نهضت تعاون اهمیت داشته است. از لحاظ ترویج، برابری جنسیتی در برنامه‌های اجلاس جهانی توسعه اجتماعی و کنفرانس پکن

1. seeds of change

دارای جایگاه ویژه‌ای بود. اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۹۵ قطعنامه‌ای در مورد «برابری جنسیتی در تعاونیها» به تصویب رساند که در آن اعضای اتحادیه بر برابری جنسیتی به‌عنوان اولویتهای جهانی تأکید کردند. اعضای این اتحادیه تعهد خود نسبت به تحقق این هدف را ابراز داشتند و اتحادیه مذکور نیز انجام مجموعه‌ای از برنامه‌ها و فعالیتها را در سطح جهانی برای پیشرفت زنان به‌عهده گرفت. اقدامات متعددی با همکاری سازمان بین‌المللی کار، از قبیل تدوین مطالب آموزشی در مورد جنسیت در تعاونیها در فرانسه، انگلیس و اسپانیا، و مدیریت تعاونگران زن، انجام شده است که به‌زودی منتشر خواهد شد.

دست یافتن به برابری جنسیتی بین مردان و زنان فرایندی بلندمدت است و تعاونیهای سراسر جهان راهی طولانی در پیش دارند تا بتوانند ادعا کنند به این خواسته پاسخ واقعی داده‌اند؛ اما واقعیت مسلم این است که تعاونیها بر خلاف سایر بنگاههای اقتصادی باید به نیازها و منافع اعضای خود توجه کنند و ایفای نقش اساسی را به آنان واگذار نمایند. اعضا، بهره‌برداران و مشتریان تعاونی برای رعایت اخلاق کسب و کار اهمیت زیادی قائل هستند که از آن جمله می‌توان به مسئله برابری اشاره کرد؛ لذا تعاونیها برای جذب اعضا، بهره‌برداران و مشتریان صادق و وفادار باید این زمینه‌ها را تقویت کنند. کمیسیون تعاون بریتانیا در گزارش سال ۲۰۰۱ خود می‌گوید: «ایجاد فرصتهای مدیریتی برابر از طریق گسترش زمینه‌های جذب مشتری به‌ویژه هنگامی که مشتریان را بتوان با ویژگیهایی مانند جنسیت، معلولیت و ناتوانی، نژاد و سن مشخص کرد، می‌تواند باعث به‌وجود آمدن فرصتهای نوین و بهبود وضعیت بازار کسب و کار شود. بر عکس، عملکرد نامناسب می‌تواند باعث از بین رفتن اعتبار و آبرو و از دست رفتن مشتری شود...»

بسیاری از تعاونیها در حال حاضر دارای خط‌مشی‌های مشخص در مورد برابری جنسیتی هستند، اما ممکن است در واقع متفاوت عمل کنند. مثلاً تعداد اندکی از تعاونیها درصدی از زنان را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌دهند که متناسب با درصد عضویت آنها در تعاونی است؛ لذا نکته کلیدی در آغاز فعالیت هر تعاونی این است که رهبران و مدیران شرکت تعاونی نسبت

به مسائل جنسیتی حساسیت ویژه از خود نشان دهند. این امر صرفاً با درک صحیح این مسائل و تعهد به اجرای عملی آنها توسط مدیران و رهبران تحقق پیدا می‌کند. کسب اطمینان از اینکه دلواپسیهای جنسیتی در کلیه خط‌مشی‌ها، قوانین، بیانیه‌ها، چشم‌اندازها، اساسنامه‌ها، راهبردها، طرحها و برنامه‌های تعاونی لحاظ شده‌اند، از ضرورت بالایی برخوردار است. از تجزیه و تحلیل مسائل جنسیتی می‌توان به‌عنوان ابزاری برای تعیین حوزه‌های نیازمند تغییر استفاده کرد. بررسی حقوق^۱، تخصیص منابع و فرایندهای تصمیم‌گیری در تعاونیها می‌تواند محدودیتها و چالشهای فراروی زنان را مشخص کنند و رهنمودی باشند برای تدوین راهبردها و خط‌مشی‌هایی که زنان را قادر به استفاده از مزیتها و فرصتهای موجود نماید. برای مثال این اقدامات می‌تواند به تخصیص متعادلتر پستهای مدیریتی به زنان از طریق اقدامات مثبت، دسترسی به مزایای تعاونی نظیر اعتبارات مالی، آموزش و کارآموزی تعاونی و رفع موانع مشارکت فعال و عادلانه زنان بینجامد. به‌منظور موفقیت در ایجاد تعادل جنسیتی، تقویت توانمندیهای جنسیتی نهضت تعاون را باید به‌عنوان اولویت اساسی در نظر گرفت.

محک‌زنی^۲، عملکرد مطلوب و تدوین سیستم نظارتی در تعاونیها - که بتواند پیشرفت در برابری فرصتها را از طریق معیارهای مقبول ارزیابی نماید - برای تعاونیهایی که می‌خواهند همچنان ویژگی پویایی و سرآمدی خود را حفظ کنند و کسب و کارشان را بر اساس اصول اخلاقی و استانداردهای اجتماعی انجام دهند، لازم و ضروری است.

لذا می‌توان گفت که ارتقای ظرفیت و توانمندیها به‌طور برابر یکی از حوزه‌های اساسی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ زیرا یکی از موانع اصلی فراروی ایجاد فرصتهای برابر، تفاوت‌های آموزشی بین زنان و مردان است که منجر به تبعیض شغلی بین آنان می‌شود. تعاونیها و ساختارهای حمایتی آنها باید مطمئن شوند که زنان عضو تعاونی به‌گونه‌ای عادلانه و برابر در کلیه برنامه‌های آموزشی و کارآموزی مشارکت می‌کنند. این برنامه‌ها باید نسبت به نیازهای زنان حساس باشند و در صورت لزوم به‌طور ویژه برای بانوان طراحی شوند و دارای

1.rights

2.benchmarking

ویژگی اعتمادزایی^۱ باشند. شناسایی زنانی که توان رهبری دارند و از سوی دیگر کمک به آنها برای کسب تجربه در تشکلهای از طریق کارآموزی، آماده‌سازی و راهنمایی عملی، باید به‌عنوان راهبردی مؤثر مطرح شود.

تشویق و حمایت از زنان عضو تعاونی و نامزدی آنان برای انتخاب در کمیته‌های مختلف، هیئتهای نمایندگی و ساختارهای سطح بالای تعاونی و مشارکت فعال در جلسات، از جمله مراحل مهم برای پیشرفت زنان در تعاونها محسوب می‌شود؛ اما توجه ویژه را باید معطوف موانع مرتبط با جنسیت زنان کرد.

تعاونها در بسیاری از کشورهایی که زنان حقوق قانونی مناسبی ندارند باید با تشکلهای حامی حقوق زنان و سایر تشکلهای جامعه مدنی ائتلاف کنند تا دولتها را برای احقاق حقوق برابر (به‌ویژه در مورد مالکیت املاک و داراییها) تحت فشار قرار دهند به گونه‌ای که چارچوب نهادی و قانونی مؤثری برای تحقق این هدف به‌وجود آورند. بدون تغییرات اساسی در جامعه تعاونها نمی‌توانند به‌تنهایی بر مشکل نابرابری جنسیتی فائق آیند؛ اما با توجه به اینکه تعاونها اغلب نیرویی دارند که ناشی از نمایندگی آنان از سوی اعضاست، دارای موقعیت مناسبی نیز برای تأثیرگذاری بر سیاستها و خط‌مشی‌های ملی می‌باشند و لذا باید از این موقعیت به بهترین وجه استفاده کنند.

از زمان پیدایش اولین تعاونها از بطن انقلاب صنعتی تا آشفته‌گیهای بازار آزاد و پیامدهای آن مانند محرومیت اجتماعی و عدم دسترسی بخش عظیمی از افراد جامعه به فرصتها، آنها همواره نمایانگر تشکلهایی قانونی و معتبر بوده‌اند که توانسته‌اند نقش اساسی خود را ایفا کنند؛ زیرا تعاونها همچنان پتانسیل خود را برای کمک به مردم و خودشان حفظ کرده‌اند و نیز راه‌حلی جایگزین برای سازمان‌دهی و انجام فعالیت اقتصادی هستند و نشان داده‌اند که با ارزشهایی مانند دلسوزی^۲ و تقسیم منافع، مردمسالاری و غیره، به درستی در جهت منافع جامعه عمل کرده‌اند.

1.confidence-building

2.caring